



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی

موسیقی ایران

از حسینعلی ملاح

در روایات مذهبی ایران آمده است که وقتی کردگار توانا آدم را آفرید روح نداشت ، پس از جهل روز به جبرئیل امین فرمان داد که روح را به بدن آدم بدمد . جبرئیل در مقام راست (۱) روح را به بدن آدم دمید (۲)

بر بنیاد این افسانه ، روح همراه نوای موسیقی در جسم آدمی جایگزین گشته است . پس : موسیقی از زمان خلقت بشر با جان وی همراه بوده است .

باز هم روایت است که : در آسمانها ستاره‌ایست بنام ارقنوع که پاسدار هنر موسیقی است . این ستاره در بدن هر انسانی جایگاهی برای خود دارد . گاه در دل و گاه در سر و گاه در دست و گاه در پا ماوا می‌گیرند . اگر نامالیمی بر وی آید متالم می‌گردد و این تالم ناگزیر آدمی را نیز بیمار و دردمند می‌سازد ، حکیم هوشیار و طبیب آزموده می‌باید تا بیازماید که (ارقنوع) در کدام عضو به تالم آمده است (فرماید) که لحنی یا مقامی نواخته شود که مقتضای آن عضو باشد و اندوه را از ارقنوع دور سازد و موجب انبساط خاطر بیمار و شفای آن عضو گردد . (۳)

نظیر این قبیل روایت ها و افسانه ها در میان سایر ملل نیز رواج دارد و مبین آن است که : موسیقی با جان آدمی سرشته شده و نشانه جنبش و زندگی و زبان احساسات و عواطف بشری است .

با این همه . پاسخ به این پرسش که : از چه روزگاری بشر مباشرت موسیقی را بعنوان یکی از هنرها ، بر عهده گرفته و به تنگی و نوازندگی پرداخته کاری است پس دشوار زیرا بسبب عدم دسترسی به برگه های معتبر و قابل استناد هر گونه ابراز نظری جز اینکه متکی به گمان و ظن باشد بنحو دیگری میسر نیست .
از این مقوله که بگذریم پرسش های دیگری نیز برابر نظرمان خودنمایی میکنند که :

آیا لحن پیش از کلام وجود داشته است ؟ ...
آیا آواز و کلام دو وسیله ابراز احساسات آدمی نیستند ؟
ما اندیشه پاسخگوئی به این پرسش های نا هموار و پیچیده را نداریم . ما با همان دیده که به گذشته های دور از بابت جامعه شناسی و تاریخ زندگی بشر اولیه نظر می‌کنیم . با اندک پژوهش میتوانیم دریافت که : هنرها فرزند نیاز بشرند ، آدمی از آغاز ناگزیر شد برای خود ابزار ، آلات و سلاح هائی فراهم کند ، تن پوش تهیه نماید ، جان پناه بسازد تا خود را در برابر پیش آمد های طبیعی و گزند حیوانات وحشی در امان بدارد . آدمی پیش از آنکه به مدد ذوق ، هنرمند بشود ، بر اثر احتیاج پیشه‌ور گشت این عنصر احتیاج که گاهی با صنایع دستی بشر همراه است و گاهی از آن دوری جسته است خود محصول فعالیت آزاد و بی‌شائبه آدمی است . بکشك ، بشر همواره به هدف و غایت این تلاش و فعالیت ، منحصرأ از جنبه ارضای يك حاجت آنی و فوری نگاه نکرده است

گاه اوقات - يك احساس ، يك هیجان شدید ، يك ستایش یا خشنودی و کنجکاوی و حتی وحشت و هراس در آثار او اثر نهاده است .

هراس از ویرانی ، هراس از مرگ ، هراس از بی‌خانمانی و هراس از بسیاری از عوامل طبیعی آدمی را بر آن داشته که برای هر يك از این پدیده ها خدایانی بسازد و محض دلجوئی و جلب رافت این خدایان جشن ها یا مراسمی بر پا کند و در آن جشن ها یا مراسم به پایکوبی بر خیزد و آواز سر دهد .

از این رو اگر بگوئیم که : موسیقی ابتدائی بشر جنبه مذهبی داشته سخنی به گزاف نگفته‌ایم .

نخستین آلت موسیقی بشر را باید حنجره و دستها و پای آدمی دانست ، در پایکوبی های گروهی ، آواز هائی سر میدادند و کف دستها را بیکدیگر می‌زدند و پا ها را بر زمین میکوفتند تا وزن را که اساس رقص و پایکوبی است حفظ کنند پس از چندی برای تقویت صدا از جمجمه و استخوان پا و دست و اسکلت ها مدد گرفتند و با کوبیدن آنها بیکدیگر بر قوت صدا های موزون افزودند - اندکی بعد در اجسامی مجوف مانند جمجمه و خیزران و کدو

سنگ ریزه ریختند و با حرکت دادن آنها بر تقویت ریتم افزودند - زمانی بر پا ها و دستهای خود مهره های فلزی خردی که درونشان را سنگی نهاده بودند بستند تا بهنگام کف زدن و پای کوبیدن صدا در آیند روزگاری چوبی بر دست گرفتند و بر تنه درخت کهنسال میان تپه کوبیدند و بدین طرق وزن پایکوبی را تقویت کردند و روی آن حفره را با چرم یا شیئی دیگر پوشانیدند و نخستین طبل زمینی را ابداع کردند .

هر يك از این آلات ، در میان ملت های مختلف جهان با تفاوت زمانی کوتاه یا دراز و با شکل های گوناگون بر همین منوال و به نیت تقویت ریتم پایکوبی ابداع شد و در هر سرزمینی نامی بخود گرفت . مثلاً در ایران آن ساز که از جسی میان تپه تشکیل میشد و سنگ ریزه درونش میریختند چق‌چقك یا چقانه نام گرفت - و آن ساز که همانند زنگوله های خرد بود و به دست ها می‌بستند (دست اپرنجن) و آنکه برپا می‌بستند پاپرنجن یا پا زنگ تسمیه شد .

حنجره آدمی نخستین ساز بادی بشر است . انسان های اولیه برای رسانیدن آوای خود به دور ، دستهای خود را چون شیپوری بگرد دهان خویش می‌نهادند و صدا در می‌آوردند رفته رفته بجای دستها از شاخ حیوانات مدد گرفتند و سرانجام از این شاخها بعنوان يك آلت موسیقی استفاده کردند ، این آلت موسیقی همان است که در ایران بوق یا شیپور نام گرفته است .

اولین ساز زهی بشر از کمان شکارچیان ورزمندگان پدید آمده است ... بطن قریب‌بیقین ، وقتی زه کمان کشیده و رها میشد صدائی ایجاد میکرد که در خیزران مجوف و هلالی کمان می پیچید و وای مطلوبی به

گوش کماندار میرسانید - کماندار بهنگام فراغت ، بازه کمان خود بازی میکرد و بر آن شد که زه دیگری نیز بر آن بیفزاید وقتی از این اقدام خود بهره شادی بخشی دریافت کرد بر تعداد زهها افزودند تا آنجا که کمان او شکل دیگر و نام دیگر بخود گرفت ... این ساز همان است که در ایران نام چنگ بخود گرفته است .

۱ - مقام راست یکی از الحان موسیقی است .

۲ - و ۳ - تلخیص از رساله موسیقی بجهتالروح

تالیف عبدالرحمن ابن صفی الدین

این هنر در فلات ایران راه بیابیم .

- در کتاب تاریخ صنایع و تمدن مردم فلات ایران پیش از تاریخ نوشته شده «وقتی پادشاهی ازسیتها از دنیا میرفت ، گودالی بزرگ در خاک تعبیه میکردند و پس از انجام مراسم لازمه یکی از زوجههای او را خفه کرده با يك نوازنده و يك آشپز و يك مهتر و يك رقاصه و چندین اسب و مقداری جواهر و ظروف زرین بخاک میسپردند ...» درموزه ایران باستان تهران قطعهای سفالین بنمایش نهاده شده که از طبقه سوم تپه سیل بدست آمده است .

بر روی این ظروف سفالی گروهی از مردم پیش از تاریخ نقش شده که برداشت محصول را جشن گرفتهاند و دستهجمعی میرقصند . در همین ادوار است که دستبندهای برنزی بشکل مارپیچی ابداع شده است که در رقصها به دستها و پاها می بستند ... مهر استوانه‌ای شکلی از تپه کیان شهر نهاوند بدست آمده که روی آن تصویر کسی در حال رقص حک شده است . در دست این پایکوب آلتی است که میتوان آن را به چغانه‌های کوچک تشبیه کرد .

این شواهد وجود موسیقی را در هفت هزار سال پیش در ایران ثابت میکند بطور کلی شواهد و امارات نشان میدهد که تا قبل از دوهزار و پانصد سال پیش ساکنان فلات واجد سه نوع موسیقی بوده‌اند .

۱ - موسیقی مذهبی : که نشانه آن پایکوبی هائیت که در مراسم خاص اجرا میکردند .

۲ - موسیقی رزمی : که آن بوقها و شیپورهای برنزی است که بدست آمده است .

۳ - موسیقی بزمی : که نشانه آن رقص هائیت که در جشنهای مختلف از قبیل جشن برچیدن محصول و امثال آن اجرا میکردند .

بعد از ایجاد دولتی بریاست هخامنش که در حدود ۲۵۰۰ سال قبل برپا گردید و کشور ایران مرکزی یافت ، بموازات پیشرفت سایر هنرها ، هنر موسیقی نیز رونق پیدا کرد . در این دوره اهمیت زیادی به سرود های جنگی داده شد .

سرداران ایرانی در پیکارها یورش خود را با خواندن سرود جنگی آغاز میکردند .

مورخان غربی درباره چنگ کوروش پادشاه ایران باسربازان پادشاه لیدی بنام کرزوس چنین نوشته‌اند : «کوروش طوری از کشته شدن سربازان طبری و طالشی مغموم گردید که بعد از خاتمه چنگ سارد و سقوط آن شهر برای مرگ سربازان مازندرانی و طالشی سرود عزاراتریم کرد ، و این همان سرود است که در ادوار بعد به اسم (مرگ سیاوش) خوانده شد و ایرانیان در عزاهای بزرگ آن سرود را ترنم میکردند .» امی بن مارسلن مورخ رومی ضمن توصیف پیکارهای سختی که در اطراف آمید اتفاق افتاده است می نویسد : «واحدهای پیاده ایرانی شهر را با نوای شیپور در محاصره گرفتند» الیزه لانک لوا در کتاب مجموعه تاریخهای ارمنی درباره پیکار ایرانیان با ساکنان ارمنستان مینویسد : «به

موسیقی باستانی ایران

موسیقی در ایران سابقه‌ای بس کهن دارد و این سابقه به روزگاران میرسد که در فلات ایران طوایف ایرانی و اقوام گوناگون مانند : سیتها ، مادها و پارسها و غیره مسکن داشتند - اگر نگاهی به نقشه ایالات شاهنشاهی ایران در زمان هخامنشیان بویژه عصر داریوش بگیریم بینفکنیم که ایران آن روزگاران از سوی جنوب غربی به مصر و حبشه و از سوی شرقی به هند و از سوی شمال غربی به ترکیه و از سوی شمال به ماوراء بحر خزر و از سوی مغرب به دریای اژه محدود میشده است و کشورهای سومر ، آشور ، قتیقیه ، مصر که در تاریخها مهد تمدن هنرها شناخته شده‌اند ، روزگاری در کنف حمایت شاهنشاهی ایران بوده‌اند و بطشک تاثیر متقابل از لحاظ هنرها و اندیشه‌ها و صنایع در یکدیگر داشته‌اند بی گمان ، ایرانیان که با صنایع دستی خود در طول قرون متمادی دیدگان بیگانگان را خیره ساخته‌اند ، آنقدر احساس و لطافت ذوق داشته‌اند که با موسیقی نیز الفت داشته باشند .

اگر برگه‌ها و اسنادی در دست نداریم که چگونگی موسیقی آن روزگاران را بر ما آشکار سازد ولی توان آن داریم که به مدد قیاس و اندیشه ، به سواد سرچشمه جاودان

سربازان ایرانی فرمان داده شد که حمله خود را با صدای شیپورها آغاز کنند»

هردوت در تاریخ خود درباره مراسم مذهبی ایرانیان مینویسد: «ایرانیان برای تقدیم نذر و قربانی بخدا و مقدسات خود آتش مقدس برمیروزند و یکی از موبدان حاضر شود و سرودی مذهبی برآید...»

گزنوفن در کتاب خصال کوروش شرح میدهد: «کوروش هنگام حمله به سپاه آشور بنا به عادات خود سرودی آغاز نمود که همگی سپاهیان آنرا بسرودند. نیمه شب که صدای کوس رحیل برخاست کوروش سردار سپاه را بخواند و بدینسان فرمان داد: چون سپاه دشمن نزدیک شود سرود جنگ خواهیم خواند و سپاه ما بی درنگ مرا با سرود پاسخ گویند...»

اگر تاریخ ظهور زرتشت پیامبر را که ۹۶۰۰ سال قبل از میدانند معتبر بدانیم و متعقد باشیم که گاتهای اوسرود هائی بوده است که همراه بالحنی خاص خوانده میشد و اگر بپذیریم که خط مخصوص (دین دبیره) ویژه ثبت الحان این سرودها بوده است، سابقه تاریخی موسیقی کشور ایران به روزگاری میرسد که هنوز تمدنی که سزاوار بررسی باشد در نواحی غربی جهان بظهور نرسیده بوده است.

متاسفانه همانطور که اشاره کردم، کشور ما در طول تاریخ حیات طولانی خود همواره مورد هجوم قبایل چادر نشین از طرف شمال بوده و جنگهایی که میان ایرانیان و اسکندر مقدونی و سلوکیان و امپراطوری روم به وقوع پیوسته و همچنین حمله و استیلاء عرب در صدر اسلام و هجوم و قتل و غارت مغول و تاتار در قرن هفتم و هشتم هجری باعث از بین رفتن قسمت اعظم مآخذ و منابع تاریخ موسیقی ما شده است، بهمین سبب است که بانهایت تأسف از مجاهدات و کوشش هائی که در روزگاران گذشته در زمینه موسیقی ملی ایران شده است برگه معتبری نداریم.

شناسائی ما از موسیقی ایران پیش از اسلام بهزار و چهارصدسال یعنی دوره ساسانی میرسد. میتوان موسیقی این دوره را ریشه موسیقی ممالک اسلامی دانست. در کارنامه اردشیر بابکان (سرسلله دودمان ساسانیان) آمده است که: اردشیر صدائی خوش داشت و تنبور نیک مینواخت. هویدا است پادشاهی که خود با موسیقی انس و الفت داشته است بی گمان مباشران این هنر را گرامی میداشته و در راه اشاعه آن مجاهدت میکرده است. مدارک مثبتی نشان میدهد که در دوره ساسانیان موسیقی ایران بسیار غنی بوده و در جامعه مقامی بس شایسته داشته است. چنانکه در آئین مزدک که در زمان قباد ساسانی ظهور کرد موسیقی بعنوان یکی از نیروهای معنوی جهان: شعور، عقل، حافظه و شادی برابر خداوند جلوه گر میشود. این چهار نیرو بدست یاریش وزیر امور عالم را اداره میکنند. و وزیران میان دوازده روح در حرکتند که یکی از آنها خواننده و نوازنده موسیقی است. احراز این مقام در تشکیلات آسمانی آئین مزدک نشانه آنست که موسیقی در زندگی روزانه مردم آنروزگار جزو احتیاجات روحی بشمار میرفته و قرب فراوان داشته است. درخشانترین ادوار موسیقی ایران قبل از اسلام را باید دوره پادشاهی خسرو پرویز دانست. در این دوره بهنگام افتتاح سدی بر رودخانه دجله موسیقی دانان همردیف فرمانداران (ساتراپها) از جانب خسرو پرویز دعوت شده اند. از استادان بنام این زمان میتوان:

رامتین - بامشاد - نکیسا - سرکش و باربد را نام

برد. در این عصر است که قواعدی برای تمرکز الحان موجود در واحدهائی که از لحاظ پرده های سازنده استقلال داشتند عملی گشته است. این واحدها که در آن زمان خسروانی ناکیده میشد هفت عدد بود که بعد از اسلام تغییراتی در آنها داده شد که در جای خود بدان اشاره خواهیم کرد.

- ۱ - تاریخ صنایع و تمدن مردم فلات ایران پیش از تاریخ تألیف دکتر بهنام
- ۲ - تپه سیلک در کاشان واقع شده و آثار بدست آمده از حفاریات این تپه مربوط به هفت هزار سال قبل است.